

بحث در موضوعات حقوقی

از حقوق بین الملل عمومی

ضبط قاچاق در جنگ

از نظر حقوقی

۱ - اطمینان یافتن از ملیت حقیقی کشتی ها : چه بکرات دیده شده برای فرار از خطر کشتی های دشمن یا غیر آن پرچم کشور بیطرفی را که از هر جهت زور مند و قوی است استعمال کرده و از اینراه برای خود تأمین مالی فراهم میکنند.

ب - قطع یافتن از اینکه کشتی کالای جنگی و قاچاق حمل نمیکند.

ج - شناسایی از مقصد و مبدأ حرکت کشتی برای اطمینان از اینکه کشتی مزبور قوانین محاصره را برهم نزند؟
د - بالاخره برای حصول قطع باینکه از عمل خود هیچگونه کمکی بدولت متخاصم نمیکند.

۳ - شرایط اجرای این حق

بموجب معاهده پیرنه ۱۶۵۰ و کنفرانس ۱۹۰۷ مشروحاً ذکر شده و از بحث فعلی ما خارج همبشقدر را تذکر میدهم که اعمال حق مزبور منحصر است بکشور های متخاصم.

با اینحال بحق بازرسی فوق استثناهائی تحصیل شده و بموجب آن کشور های متخاصم حق بازرسی از کشتی های زیر را ندارند :

۱ - کشتی جنگی دولت های بیطرف : این کشتی ها از آنجا که متعلق بدولت و حق بازرسی آنها بهحا کتبت و تمامیت استقلال مزبور صدمه وارد میکند بکلی ممنون از

با توجه برفع کنونی که موضوع فوق ایجاد کرده و آثار قضائی بسیار مهم آن بيموقع نیست شمه از کیفیت حق مزبور و طرز اعمال و مرجع رسیدگی به آن گفتگو نمود پس بحث ما در اطراف سه اصل دور میزند :

۱ - حق بازرسی و ضبط قاچاق

منشأ و فلسفه رضع آن - در حقوق بین الملل دو اصل مسلم موجود است که یکی آزادی دریاها و کشتی رانی در آن و دیگری عدم مساعدت کشور های بیطرف بدول متخاصم بهر نحو در موقع جنگ

از اصل اخیر مخصوصاً کشور های جنگجو یعنی آنها که بادیگران در حال جنگ اند چنین نتیجه گرفته اند که وقتی دول بیطرف حق نداشته باشند بر ضرر آنها و برفع متخاصم دادوستدی با آنها کنند که سازمان لشکریشان کمک نماید نتیجه آن خواهد شد که حق بازرسی کالا و هر گونه شیئی که بمقصد یکی از آنها حرکت کند بادیگری خواهد بود. پس شرط لازم برای وجود این حق بازرسی وقوع جنگ است و شرط دیگر که در اعمال حق مزبور مؤثر است استفاده کردن از آن در دریاها چه بازرسی مزبور در جنگ تعارضی با حق حاکمیت کشورها و در حکم اعمال زور و نقض بی طرفی آنهاست.

۲ - مقصود و منظور از اعمال حق فوق

بزرگترین منظور دول متخاصم در اعمال این حق چهار چیز است :

بازرسی منتها برای اطمینان از اینکه کشتی مزبور متعلق بدولتی است که پرچم آن بر فراز کشتی افراشته شده تشریفات (۱) خاصی مقرر است.

۲ - کشتی‌های تجاری بیطرف که با کشتی‌های جنگی همراه و تشکیل اسکادر دهد. در اینجا نیز تشریفات بالا انجام و قول ناوران که نماینده حیثیت ملی و شرافت شخصی و اجتماعی اوست کافی خواهد بود - مگر اینکه کشتی متخاصم دلائل و امارات قویه بر وجود قاچاق در جزء نشتی‌ها داشته باشد که در اینصورت بازرسی بوسیله ناور - سروان و فرمانده همان دسته کشتی‌های بیطرف بعمل خواهد آمد. (مواد ۶۱ و ۶۲ اعلامیه لندن ۱۹۰۹)

حق بازرسی باید منحصراً در دریا‌های آزاد و مناطق خارج از حد آبهای ساحلی بعمل آید مگر آنکه آن آبهای ساحلی متعلق بکشتی و دولت متخاصم باشد و هم چنین در دریا‌های آزاد مزبور در صورتی در حوزه بازرسی داخل خواهند بود که در اطراف منطقه جنگ واقع و در مناطق دور دست نباشند بنا بر این در جنگ اروپا مثلاً آبهای قطب جنوب و شرق اقیانوس و امثال آن بکلی آزاد است.

۲ - طرز اجرای این حق
هرچند بحث در موضوع فوق دارای نفع زیادی از نظر موضوع اساسی که عنوان نگارش است ندارد بهمین جهت بطور اختصار تذکر داده میشود: که کشتی بازرسی همینهکه سوء ظن بیکی از کشتی‌های بیطرف برد بافراشتن پرچم و شلیک يك توپ قصد بازديد خود را اعلام و ناور - سروان مقابل باید با تکرار همین امر آماده بودند خود را

(۱) - ناوران کشتی متخاصم پرچم دولت خود را بالا برده يك تیر توپ شلیک میکنند و ناوران کشتی بیطرف نیز در صورت توافق پرچم کشتی با ملیت ان باید عیناً جواب دهد بدیهی است در اینمورد شرافت و حیثیت اخلاقی ضامن صحت عمل است

ببازدید پاسخ دهد در اینصورت ناوران متخاصم منفرداً با باچند نفر دیگر در کشتی وارد شده فقط اسناد کشتی را که عبارت از بارنامه‌ها - دفاتر کشتی و اسناد مربوط به ملیت آنست بررسی میکنند.

بازرسی در کالا فقط در وقتي انجام میشود که محمولات کشتی مورد سوء ظن قوی واقع و دلائل آشکار بر وجود این سوء ظن در دست باشد.

در هر دو صورت بازدید یا بازرسی محمولات نباید با احترامات و تعارفات لازمه که شایسته دولت صاحب پرچم کشتی است بعمل آید.

مقاومت و امتناع از حق بازرسی

هرگاه کشتی تجاری از تسلیم بازرسی سرباز زد ناور بازرسی حق دارد در صورت فرار بسمت او شلیک کند هرگونه خسارتی که در اینجا وارد آید قابل مطالبه نیست (ماده ۶۳ اعلامیه لندن ۱۹۰۹).

ولی در صورت فرار و بازداشت کشتی از طرف ناور بازرسی نمیتوان افراد کشتی را گنهکار محسوب و بعلت سربیهی از مقررات و فرار بکیفر رسانید ولو آنکه قواعد و تعهدات مربوطه به بیطرفی را لغو کرده باشد.

حال اگر کشتی بیطرف بجای آنکه فرار اختیار کند در مقام مقاومت مسلحانه برآمد در اینصورت در حکم کشتی متخاصم قلمداد و کلیه مقررات دریائی مربوط بآن در باره اش اجرا میشود: از جمله ضبط کشتی و تمام کالای موجوده در آن ولو آنکه بعداً کشف شود هیچ نوع کالای قاچاقی در این کشتی وجود نداشته و کالای حمل شده در حکم کالای دشمن است « مگر آنکه با دلیل کافی و قوی عکس آن ثابت شود » - کالای مزبور بفتح کشور متخاصم ضبط می شود و اصل « پرچم کشتی حامی کالای آنست » در اینجا مورد عمل و محترم نیست.

پس بطریق فوق حق بازرسی کشور متخاصم عملی شده و در صورتی که کالای جنگی یا موادی که به نیروی جنگی

در هر دو حال باید تمام سرنشینان و اسناد و اوراق کشتی را بنابر بازرسی حمل نموده و در هر مقام نیز بتواند ادعای خود بر صحت و مشروعیت انهدام را ثابت کند و الا مسئول خسارات وارده خواهد بود بدون آنکه هیچ ارتباطی با حق بازرسی و مشروعیت آن داشته باشد.

حال اگر نتیجه بازرسی منتهی به شش کالای قاچاق در کشتی بیطرف گردید در اینجا نیز ممکن است دو حالت پیش آید: یا کالای قاچاق از حیث کمیت و کیفیت زیاد نبوده و شایان اهمیت نیست بعبارة دیگر ارزش توقیف کشتی را ندارد در این صورت بازرسی حق دارد انهدام یا تسلیم کالا را بخواهد و اگر کالای قاچاق موجود که در کشتی شایسته اهمیت است کشتی را به بندرگاه برده موضوع در دادگاه ضبط قاچاق که مرحله واقعی قضاوت در اطراف صحت و سقم قضیه است مطرح میشود.

دکتر ع - اخوی

او کمک میکند در کشتی بیطرف یافت شود کشف میگردد - ولی بطور کلی گاه ممکن است در اثر این بازرسی معلوم شود خود کشتی نیز متعلق بکشور متخاصم است و باین طریق در مورد در بازرسی دریائی پیش میآید که دارای اثرات حقوقی خاصی است:

۱ - کشف کالای جنگی در کشتی بیطرف
ب - کشف اینکه خود کشتی نیز متعلق بدشمن است در صورت اول باید فرق داد بین کالای جنگی موجوده در کشتی و کالای غیر جنگی و خود کشتی که متعلق بکشور بیطرف است.

چنانچه کشف شد کشتی از آن دشمن است در اینحال ضبط با انهدام آن بسته بقضایات ناوروان بازرسی است ولی در صورتیکه محقق شد کشتی متعلق بکشور بیطرفی است انهدام آن بهیچوجه جایز نیست مگر آنکه موجب خطر برای خود بازرسی باشد یا عملیات بازرسی او را عقیم کند

نزاع مالکیت برای مصلحت عمومی

در حقوق اسلامی و حقوق فرانسه

آنجائیکه در نظر شارع اسلام مصلحت عمومی بر مصلحت خصوصی همیشه مزیت و نفوذ داشته در هر موردی که این دو مصلحت با هم تعارض پیدا کرده مصلحت خاصه را ترك و مصلحت عامه را رعایت نموده اند. در حقوق اسلامی احکام زیادی روی این اصل دیده میشود و از آن جمله است: اجبار شخص ممنوع از ادای حقوق واجبه بفروش اموال در صورتیکه برای استیفای این حقوق راه دیگری وجود نداشته باشد و اجبار مالك زمین ملاصق مسجد بفروش آن در صورتیکه توسعه مسجد ضرورت داشته باشد و راه دیگری برای توسعه آن جز تصرف همان زمین موجود نباشد و اجبار صاحب زمین ملاصق بشارع عام بفروش آن در صورتیکه توسعه شارع مورد احتیاج بوده و چاره جز تصرف همان

چنانچه میدانیم از شرایط نفوذ معامله یکی این است که رضای طرف برای انجام معامله رضای حقیقی و واقعی باشد نه رضای حاصل از اکراه. معامله که در نتیجه اکراه وقوع یافته باشد نافذ نیست ولی هرگاه شخص مکره پس از زوال اکراه آنرا تنفیذ کند معامله صحیح شناخته خواهد شد (ماده ۱۹۹ قانون مدنی) عدم نفوذ معامله شخص مکره در حقوق اسلامی مبانی بسیار مستحکمی دارد (۱) ولی از

(۱) یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم الخ سورة النساء
لا یحل مال امری مسلم الا عن طیب نفسه (حدیث نبوی)
عن ابی الحسن ع الرجل یستکره علی الیمین فیحلف بالطلاق والعاقب و صدقه ما یملک ابلمرمة ذلك؟ فقال ص لا قال رسول الله:
وضع عن امتی تسع ومنها ما اکرهوا علیه (صحیححه بزنی)